

وقفنامه کتابهای کتابخانه مدرسه چهارباغ

تحقیق و مقدمه میترا اسکری

بودند، به خویش، اولاد و یا خویشاوندان خود وقف می‌کرده‌اند. گاهی هم آنها را به یک یا چند نفر از عالمان، فقیهان و یا طالبان علوم دینی وقف می‌نموده‌اند، از اینرو این نوع وقف را، وقف شخصی یا خصوصی، وقف اولاد، وقف خانوادگی و اهلی می‌نامند. این نوع وقف در میان مسلمانان بسیار متداول بوده، چنانکه نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان در گذشته و حال در میان مسلمانان و مجامع اسلامی یافت، که از باب نمونه به دومورد آن اشاره می‌کنیم:

۱. علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن احمد بن محمد بن طاوس ملقب به رضی‌الدین و معروف به «ابن طاوس» و یا «سید بن طاوس» (متوفی ۶۶۴ ق / ۱۲۶۶ م) دارای کتابخانه‌ای بالغ بر ۱۵۰۰ جلد کتاب بود و همه آنها را وقف اولاد ذکور خود نمود.^۱
۲. حاج‌بن حاج‌علی در سال ۱۰۷۰ قمری / ۱۶۵۹ میلادی، تعدادی کتاب را که در طول حیاتش گرد آورده بود، به این صورت وقف کرد که تا زمانی که خودش در قید حیات است، خودش از آنها استفاده کند و پس از مرگ خویش به افرادی از فرزندان و نوادگان خویش و سپس خویشاوندان نزدیک و شایسته خود و سرانجام به طالبان علم و دانشجویان وقف شود.^۲

پیشگفتار

وقف کتاب در تاریخ اسلام دارای پیشینه‌ای کهن است و مسلمانان از دیرباز برای کمک به گسترش علم و فرهنگ به ویژه علوم و معارف اسلامی و همچنین برای کسب ثواب و لطف و رحمت الهی به وقف کتاب اقدام کرده‌اند و این کار خیر در میان آنان از اعتبار و اهمیت فراوانی برخوردار بوده و روز به روز گسترش یافته است، به صورتی که در سراسر جهان اسلام، در گذشته و حال، با کتابخانه‌های بسیاری روبه‌رو هستیم که از طریق وقف کتاب، تأسیس شده‌اند. با بررسی و جستجوی برخی از متون وقفنامه‌های کتابها و کتابخانه‌ها، این نکته به دست می‌آید که وقف کتاب در جامعه اسلامی از همان دیرباز تا کنون به اعتبار استفاده‌کنندگان (موقوف علیهم) به انواع مختلف و اقسام گوناگونی به این شرح تقسیم می‌شود:

الف - وقف خاص

بسیاری از واقفان کتاب، بنا به انگیزه‌های خاصی که داشته‌اند، کتابها و مجموعه‌هایی را که در طول زندگی خویش گرد آورده

۱. الذریعة، ۵۸/۱.

۲. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، یوسف العس، ص ۳۷۰-۳۷۱.

استفاده کنند و یا اینکه گروهی خاص از ساکنان آنجا می‌توانند از آن کتابهای وقفی بهره‌برند؛ مثلاً در یکی از این وقفنامه‌ها قید شده که: «این کتابها برای استفاده کردن اساتید (مشایخ العلم) و دانشجویان علم حدیث، در خانقاه ناصریه واقع در قاهره وقف شده است» و در وقفنامه‌ای دیگر آمده است که: «وقف کرد رمضان العلوی برای استفاده کردن دانشجویان علوم شریفه که مقیم مدرسه صالحیه ضیائیه هستند».^۴

در بیشتر این‌گونه وقفنامه‌ها قید و شرط شده که هیچ‌کس حق خارج کردن کتابهای موقوفه را از این مکان بخصوص ندارد، اما ساکنان آن مکانها و غیر ساکنان می‌توانند به‌طور مساوی از آنها استفاده کنند.

در بعضی از موارد «موقوف علیهم» را هم معین کرده‌اند؛ مثلاً نوشته‌اند: «حق استفاده کردن از کتابها برای اصحاب و ساکنان همان مدرسه است»، گرچه این شرط را بسیاری از علما و فقها در مورد مسجد رد کرده‌اند.^۵

ج - وقف عام

از محتوای وقفنامه‌های عام چنین به دست می‌آید که این‌گونه وقف کتاب، به دو شکل، به شرح زیر بوده است:

یک. وقف عام بر طالبان علم

در بیشتر وقفنامه‌هایی که عبارت «وقف لطلبة العلم» در آنها مدرج است، ناظر بر این نوع از وقف کتاب بوده و همگی طالبان علم در هر سطح و پایه و در هر رشته‌ای از علوم را شامل می‌شده است. چون این امکان وجود داشته که برخی از این عبارت سوءاستفاده کنند و آن را به عده‌ای خاص محدود کنند، برخی از واقفان کتاب، برای رفع این شبهه گفته‌اند: وقف بر هر طالب علمی است که جوایب دانش باشد^۶ بدون قید و شرط، نه آنچنان که برخی گمان برده‌اند

ب - وقف نیمه عمومی (شبه عام)

این نوع وقف کتاب که در واقع گستره بیشتری از «وقف خاص» دارد، از همان دیرباز رواج فراوانی داشته و از همان آغاز به دو شکل انجام می‌گرفته است:

یک. وقف بر طبقه و گروهی خاص

بسیاری از واقفان کتاب به دلیل احترامی که برای قشری خاص قائل بودند، کتابهای خود را برای قشر یا طبقه خاص وقف می‌نمودند. از باب مثال برخی از واقفان کتابهایشان را بر فقیهان یا محدثان یا طلاب علوم دینی و پزشکان و یا پیروان و عالمان مذهب خاصی وقف می‌کردند که به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱. شاپوربن اردشیر، امیر و وزیر بلندآوازه آل بویه که در بغداد می‌زیست، در سال ۳۸۳ ق/ ۹۹۳ م و یا به قولی در سال ۳۸۱ ق/ ۹۹۱ م، دارالعلمی در بغداد و در محله کرخ که شیعه‌نشین بود بنا کرد و نفیس‌ترین کتابهایی را که خطاطان مشهور و دانشمندان بسیار معتبر نوشته و تألیف کرده بودند، تهیه و به آنجا منتقل ساخت که تعداد آنها را بین ده‌هزار و چهارصد تا دوازده‌هزار جلد نوشته‌اند و این کتابها را وقف بر فقیهان، محدثان و طلاب شیعی نمود.^۱

۲. ابوالحسن منتخب‌بن عبدالله دوامی مستظهري (متوفی ۵۰۹ هـ ق/ ۱۱۱۵ م) کتابهای خویش را که عمری برای تهیه و گردآوری آنها زحمت کشیده بود، بر اصحاب حدیث (محدثان) وقف نمود.^۲

۳. مهذب‌بن دغوار طیب (متوفی ۶۲۸ ق/ ۱۲۳۱ م) کتابها و خانه خویش را بر پزشکان وقف کرد.^۳

دو. وقف بر یک مکان خاص

در این نوع وقف واقفان کتاب ابتدا و بالاصل نظر خاصی به مکانی دارند که کتابهایشان را بر آن وقف می‌کنند؛ مثلاً بر مسجد، مدرسه، مزار و مشهد، خانقاه و زیباطی خاص و یا بیمارستانی مخصوص و ثانیاً وبالعرض به افراد و گروهی خاص نظر دارند.

در برخی از این وقفنامه‌ها قید شده که فقط افرادی که در آن مکان خاص سکونت دارند مجازند از آن کتابها

۱. المنتظم ابن جوزی، ۳۶۶/۱۴؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۳۸۱ - ۴۰۰ ق.)، ص ۱۶.

۲. المنتظم ابن جوزی، ۱۴۴/۱۷.

۳. النجوم الزاهرة، ۲۷۷/۶.

۴. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.

۵. همان.

۶. معجم الادباء، ۱۹۲/۷ - ۱۹۳.

که مراد از طلبه علم، منحصر است به طلاب علوم شریفه (یعنی علوم مذهبی). این نوع وقف بسیار متداول و رایج بوده است و نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان در وقفنامه‌های باقی‌مانده از روزگاران کهن یافت که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. یاقوت حموی از موقوفه ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی (متوفی ۳۲۲ ق/ ۹۳۴ م) فقیه، شاعر و ادیب شافعی در شهر موصل، که از آن به عنوان «دارالعلم» یاد می‌شد با این عبارت یاد کرده است: «و کانت له ببلده دار علم قد جعل فیها خزانه کتب من جمیع العلوم وقفاً علی کل طالب للعلم لایمنع احدٌ من دخولها»؛ یعنی وی در شهر خویش، دارالعلمی بنا نهاد و در آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد که از همه علوم کتابهایی قرار داده و وقف هر طالب علمی نموده بود و هیچ‌کس را در ورود به آن کتابخانه ممانعت نمی‌کردند.

۲. رشید الدین فضل‌الله همدانی (متوفی ۷۱۸ ق/ ۱۳۱۸ م) در وقفنامه‌ای به تاریخ ۷۱۳ قمری، تصریح کرده است که: «کتب بر طلاب علم وقف شده تا ایشان بدان منتفع گردند».^۲

دو. وقف بر جمیع مسلمانان

در این نوع وقف کتاب، همگی مسلمانان در استفاده از کتابهای وقفی مشترک هستند و تفاوتی میان پیروان مذاهب نیست و عموم مسلمانان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

گرچه از این دو نوع وقف با عنوان «وقف عام» نام برده می‌شود، اما می‌توان گفت که این دو نوع وقف نیز به نوعی مقید و محدود هستند، زیرا در قسمت یکم فقط طالبان علم از میان مسلمانان می‌توانند از کتابهای وقفی استفاده کنند که قید «طالبان علم» را دارد و در قسمت دوم، گو اینکه قید طالبان علم ندارد و همه اهل اسلام را شامل می‌شود ولی باز هم مقید به مسلمانان است.

برخی از مورخان عقیده دارند که این دو قید در عمل دقیقاً رعایت نمی‌شده و در قسمت اول غیر اهل علم و در قسمت دوم غیر مسلمانان، به‌ویژه اهل کتاب، می‌توانستند بدون امتیاز و ممانعت از کتابهای وقفی استفاده کنند.^۳

در این نوع وقف که اتفاقاً از نمونه‌های قبلی بیشتر است، واقفان، کتابها و کتابخانه‌هایشان را وقف عام می‌کردند که به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

۱. اسماعیل بن عبّاد بن عباس معروف به «صاحب بن عبّاد» (۳۲۶ - ۳۸۵ ق/ ۹۳۸ - ۹۹۵ م) وزیر فاضل و ادیب نامور عهد آل بویه کتابخانه‌ای بزرگ با حدود ۲۰۰ هزار یا ۱۲۰ هزار جلد کتاب به وجود آورد و همه آنها را وقف عام کرد.^۴

۲. ابو عمرو محمد بن قدامه مقدسی (متوفی ۶۰۷ ق/ ۱۲۱۰ م) در شام کتابخانه‌ای بزرگ به نام کتابخانه عمریه در مدرسه صالحیه تأسیس کرد و همه کتابهای آن را وقف عموم مسلمانان نمود.^۵

۳. ابراهیم بن عیسی بن یوسف ابواسحاق مرادی اندلسی (متوفی ۶۶۷ ق/ ۱۲۶۹ م) کتابهایی را که در طول عمرش تهیه کرده بود وقف عموم مسلمانان کرد.^۶

وقف کتاب بر مدارس

مدارس اسلامی به عنوان کانون‌های اصلی آموزش، پس از مساجد، از اعتبار فراوان و اهمیت فوق‌العاده‌ای در جهان اسلام برخوردار بوده‌اند، از اینرو مسلمانان در تأسیس و ساخت مدارس بسیار کوشیده‌اند. آنان برای کمک به دانشجویان و عالمان و علاقه‌مندان به علم و فرهنگ، اقدام به ایجاد و تأسیس کتابخانه در مدارس کردند و کتابهای مورد لزوم طالبان علم را تهیه و وقف نموده و در آن کتابخانه‌ها قرار دادند. در این مورد هم نمونه‌هایی فراوان از قدیم و جدید وجود دارد که به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. مدارس نظامیه (نظامیه‌ها). نظام‌الملک ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی (متوفی ۴۸۵ ق/ ۱۰۹۲ م) وزیر دانشمند و باکفایت دولت سلجوقی در شهرهای مهم عراق، ایران و برخی نقاط دیگر جهان اسلام، اقدام به

۱. همان.

۲. وقف‌نامه و تاریخ کتابخانه و کتابداری، ص ۹۸.

۳. دورالکتب العربیة العامة و شبه‌العامة، ص ۳۹۰، ۳۹۴.

۴. معجم‌الادباء، ۹۷/۱۳.

۵. خزائن الکتب فی دمشق و ضواحیها، ص ۱۳، ۷.

۶. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، ص ۲۵۷.

و رقبات سلطنتی درآورد، اما دیری نپایید که بار دیگر جزو موقوفات مدرسه درآمد.

ساختمان مدرسه در دو طبقه است و حجره‌های محل سکونت طلاب، در اطراف مدرسه و در دو طبقه قرار گرفته‌اند و هر طبقه ایوان و راهرویی جداگانه دارد. در قسمت شمالی مدرسه در وسط ایوان دهلیزی ساخته شده و در گوشه شرقی و غربی شمال زاویه دارد که در آنها نیز حجره‌هایی قرار دارند. میان طرف شرقی نیز ایوانی است روی نهر آب و حجره‌ها در طرفین تحتانی و فوقانی به منوال شمال قرار دارند. و حدش به سرای سلطانی می‌رسد و در وسط طرف جنوبی مدرسه که مهمترین بخش ابنیه را دارد گنبدی عالی ساخته شده که به نمازگاه ختم می‌شود. این گنبد هم مانند گنبد مسجد شاه اصفهان دوپوشه است و ایوانی که در جلو آن قرار گرفته با دو مناره بلند بسیار باشکوه است. داخل گنبد به چهار گوشه مرتبه زیرین متصل است و چهار صندوق خانه دارد که برای کتابخانه و دیگر ائاثیه و فرش‌ها ساخته شده و طبقه بالایی نیز به همین روش برای کتابخانه و ملزومات مدرسه و طلاب ساخته شده است. این مجموعه دارای درهای خاتم‌کاری است که بسیار استادانه ساخته شده‌اند. درون و بیرون گنبد و ایوان به کاشی‌های معرق ممتاز، تزیین شده و کتیبه‌های خوشنویسان بر آنها می‌درخشد و منبری یکپارچه از سنگ مرمر نیز در آن قرار دارد. بر میان فرق بیرونی گنبد نیز، قبه‌هایی مطلقاً نصب شده است.

زاویه‌های دو گوشه سمت جنوبی مفصلتر است و بر بالای طرف شرقی مهتابی باصفایی قرار دارد و در طرف غربی آن طهارت‌خانه و حوض‌خانه در قسمت پایین ساخته شده بود که بعدها با تعمیرات زیادی که در آن شد این قسمت را تبدیل به «دبیرستان معقول و منقول» نمودند. در بالای این قسمت حجره‌های محصلان و ایوان‌ها و آشپزخانه‌ای نیز ساخته شده بود.

تأسیس مدارس نمود که «نظامیه» نامیده شدند و برای هریک از این مدارس، کتابخانه‌هایی به وجود آورد و آن را وقف نمود.^۱

۲. پس از آن در سراسر جهان اسلام از جمله در دمشق، حلب، قاهره، اسکندریه، بغداد، نجف، کربلا، سامرا و موصل مدارس فراوانی ساخته و برای هریک از آنها نیز کتابخانه‌هایی ایجاد و وقف بر طالبان علم شد.^۲

۳. در شهر مرو مدارس به اسامی خاتونیه، ضمیریه، عمیدیه و منصوری و در هرات، مدرسه شاهرخیه و در نیشابور مدارس چون صابونی، سعدیه، بیهقیه و عظاملک جوینی و در تبریز مدرسه مظفریه و در کرمان مدرسه‌های تورانشاهی و قطبیه و... تأسیس گردید و در آنها کتابخانه‌های مهمی تشکیل و کتابهای فراوانی در این مدارس وقف گردید.^۳

وقف کتاب بر مدارس در روزگار صفویان

پادشاهان صفوی در طول حکومت و سلطنت خویش در ایران کارهای عام‌المنفعه بسیاری انجام دادند که از جمله آنها تأسیس مدارس بود. آنان در اصفهان مدارس فراوانی تأسیس کردند که به عنوان نمونه می‌توان به مدارس الماسیه، ملا عبدالله، شفیعیه، اسماعیلیه، نم‌آورد، جلالیه، مریم‌بیگم، مبارکیه، نوریه، شاهزاده‌ها، میرزا مهدی، میرزا حسین و سلطانیه، که به چهارباغ نیز معروف است اشاره کرد. در هر یک از این مدارس توسط سلاطین صفوی، امیران و عالمان و افراد خیر و نیکوکار کتابخانه‌هایی جهت استفاده طلاب و مدرسان ایجاد شد که همه آنها وقف بر طالبان علم و عالمان بود.^۴

مدرسه سلطانیه (چهارباغ)

مدرسه سلطانیه، به مناسبت اینکه در سمت شرقی چهارباغ کهنه واقع شده به «مدرسه چهارباغ» نیز شهرت دارد، یکی از بناهای شاه سلطان حسین صفوی است که به دستور وی به مدت شانزده سال ساخته شد. مساحت این مدرسه قریب دوازده هزار جریب شاهی است و بازارچه بلند و سرای سلطانی نیز از توابع آن بوده که بعدها نادرشاه افشار این بازارچه و سرای سلطانی را از آن جدا کرد و جزو متعلقات

۱. تاریخ دولة السلجوقیه، ص ۷۴؛ دائرة المعارف الاسلامیه، ۹۹۷/۳ - ۱۰۰۰.
 ۲. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، ص ۱۸۴ - ۲۸۲.
 ۳. درآمدی بر دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان، ص ۲۹ - ۵۸.
 ۴. نک: تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۳۹ - ۱۴۲.

در خارج و داخل مدرسه نزدیک به ۱۲۰ ایوان تعبیه شده و در وسط طرف غربی مدرسه که در شرقی چهارباغ قرار دارد دهلیز و سردری ممتاز واقع شده و آن به وسیله نقره خالص، تهذیب‌کاری شده و بهترین استادان بنام آن روز بر روی در، گل و بوته و جز آن کار کرده‌اند و جلوه باشکوهی به آن داده‌اند. دور گنبد با سه کتیبه پوشانده شده است که بر قسمتی از کتیبه نخست که در پیشانی گنبد قرار دارد عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خاتم الانبیاء والمرسلین محمد...» نوشته شده است.

کتیبه دوم دارای عبارت «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و کتیبه سوم به شکل خانه‌خانه است و در هر خانه یک عبارت نوشته شده است. در خانه اول «الله اکبر» و در خانه دوم «الله لا اله الا هو» نوشته شده است.

بالای لنگه در مدرسه با خط نسخ عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم» و در پایین عبارت «قال النبی صلی‌الله علیه و آله و بوالای لنگه در، در قسمت چپ، عبارت «انا فتحنا لك فتحاً مبیناً» و در پایین آن عبارت «انا مدینه‌العلم و علی بابها» به چشم می‌خورد و هنگامی که دو لنگه در بسته می‌شود، آیه قرآن در بالا و حدیث در پایین به خوبی نمایان می‌شود. در حواشی در، اشعاری به خط نستعلیق شخصی به نام محمد صالح است و تاریخ آن «گشاد حق به صفاهان در مدینه علم» نوشته شده که به حروف ابجد مساوی است با رقم ۱۱۲۰ که این تاریخ بدیع از شاعر توانای اصفهانی، بدیع اصفهانی است و زرگری آن از استاد عبداللطیف تبریزی است.

سکوه‌های مدرسه به سنگ مرمر ممتاز و بزرگ مفروش است و اطراف سردر نیز ایوانهایی برای نشستن عابران و تماشاگران چهارباغ قرار دارد و دهلیز مدرسه نیز، به کاشی‌کاری معرق مزین شده و گرداگرد کتیبه اشعاری از ازهری به خط نستعلیق نوشته شده است.^۱

وقفنامه مدرسه سلطانی، که از جانب شاه سلطان حسین صفوی است، در بیش از ۳۳ صفحه است همراه با گواهی‌ها و امضای علما، بزرگان، امیران و اعیان دربار شاه سلطان حسین و برخی از مدرسان رسمی مدرسه که در کتاب «تاریخچه اوقاف اصفهان» چاپ شده است.^۲ عبارات آغازین

آن به این شرح است: «هو الواقف علی نیات العباد. الله، اله، الهی بسم‌الله الرحمن الرحیم، محمد مصطفی، علی بن ابیطالب، چهارده معصوم، ائمه اثنی عشر، ابی‌عبدالحسین، کاظمین، رضیه رضویه، عسکریین، صاحب‌الزمان، ابراهیم، اسماعیل، امامزاده اسماعیل، مقابله شد». سپس عبارات آغازین وقفنامه به این صورت آمده است: «قرای دل‌های آگاه را وقف و منافع حدایق زبانها را صرف مدارس محامه حکیم علیبی می‌باید نمود که به دستیاری دهقان قضا و زارع قدر از ریزش نیسان احسان و بارش باران برو امتنان در کشت زار قلوب عارفین و مزارع معموره صدر مؤمنین بر دشتی شایان پرورش دانه دانش و عرفان و تربیت تخم اعتقاد و ایمان نمود که از مزروعات عبادات به فحوائ صدق انتهای - الدنیا مزرعة الاخرة - دامن دامن حاصل سعادت برداشته...»^۳

به هر حال شاه سلطان حسین صفوی پس از بنای این مدرسه بزرگ و باشکوه، برای کمک به طلاب این مدرسه در تحصیل علم، اقدام به ایجاد کتابخانه‌ای در این مدرسه نمود و کتابهای فراوانی در رشته‌های گوناگون علم و ادب، فقه و حدیث، فلسفه و منطق، تاریخ و رجال و ... فراهم کرد و آنها را بر اساس وقفنامه‌ای که مورد تحقیق و بررسی است و در جلو دیدگان شما قرار دارد، وقف بر کتابخانه این مدرسه نمود.

وقفنامه کتابهای کتابخانه مدرسه چهارباغ اصفهان

این وقفنامه به صورت رساله‌ای کوچک در چهار برگ ۲۰×۱۱ با میانگین ۱۹ سطر در هر صفحه و جمعاً ۸۶ سطر، به شماره مسلسل ۹۶۰۷ در کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله نگهداری می‌شود.

در ظهر ورقه اول این رساله، عباراتی به چشم می‌خورد از شخصی به نام: محمد مهدی ابن محمد باقر الحسینی، به این شرح: «سلخ ربیع الثانی ۱۲۴۶ و در حالی که انواع هموم غموم مستولی به جهت رفتن میرزا باقر به سفر طهران

۱. تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۳۸ - ۱۳۹.

۲. تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سبتا، ۱۴۴ - ۱۷۷؛ ونک: تاریخ اصفهان،

جابری، ص ۱۳۸، ۱۳۹، ۲۲۱.

۳. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۱۴۴ - ۱۴۵.

و بی‌خبر بودن از آن و مطالبه کردن طلبکارها از من طلب خود را و نبودن تنخواهی که کارسازی آنها شود به هر صورت، الحمدلله الحمدلله الحمدلله، التماس از ناظرین طلب مغفرت می‌باشد. حرره العبد المذنب: التراجی الخاطی الداعی لظهور قائم آل محمد علیهم‌السلام محمد مهدی ابن محمد باقر الحسینی» که نشان می‌دهد در آن سال این رساله را در تملک خویش داشته است.

در پایان این رساله و وقفنامه، مهر بادامی شکل شاه سلطان حسین با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم الله مشكاة المؤمنین، المیرسلطان حسین ۱۱۱۵» قرار دارد.

این وقفنامه در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی با عنوان «وقفنامه کتابهای کتابخانه مدرسه چهارباغ اصفهان» ثبت شده است و به خط نسخ است و آیات زرّین و نام شاه به شنگرف نوشته شده با جلد تیماج زرد.^۱

شیوه تحقیق

کاری که ما بر روی این وقفنامه انجام داده‌ایم به اختصار عبارت است از:

۱. استخراج آیات.

۲. جداسازی برخی از کلمات که در این وقفنامه به صورت ترکیبی و سرهم نوشته شده است؛ مثلاً جداسازی کلمات «به»، «را»، «آن» و «ها»؛ مانند کلمات آن را (آنرا)، به بنان (بنان)، مجموعه‌های (مجموعه‌های) و جز اینها.

۳. نوشتن کلمه «قربة» به شکل «قربتا».

۴. نوشتن اسامی اعظم که در وقفنامه به شکل علامت آمده‌اند؛ مانند اسم اعظم «الله» در جمله‌های «صلوات‌الله علیهم»، «ظّل الله»، «عندالله»، «صانهاالله»، «مدالله» و یا کلمه «القائم» در جمله «بدولة القائم» و یا کلمه «الهی» در جمله «به لعنت الھی» که به جهت امانت‌داری این کلمات را در میان قلاب [] قرار داده‌ایم.

در پایان لازم است از مسئولین کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی علیه‌السلام به‌ویژه از تولیت محترم آن کتابخانه حضرت آقای دکتر مرعشی تشکر کنم که این رساله را جهت تحقیق در اختیارم قرار دادند. همچنین از همسرم آقای علی رفیعی علامروودستی که در استنساخ این رساله

بسم الله الرحمن الرحيم

الله، اله، الهی، محمد مصطفی، چهارده معصوم، صاحب‌الزمان حمدی که واقفان اسرار مُلک و ملکوت و ثنایی که عارفان معالم قدس و جبروت گزارش آن را دیباچه صحایف معرفت و دانایی دانند و ادای آن را مقدمه کتاب فهم و شناسایی خوانند، خداوند علام الغیوب را رواست که آیات وحدت ذات بی‌چون و آثار قدرت کامله از قیاس بیرون را، به بنان قلم «کن فیکون» بر اوراق لیل و نهار و صفحات اجزای دورگار تحریر و بیان فرمود، تا طالبان علوم ربّانی و جویندگان معارف ایمانی، به کنوز حقایق دانشوری و رموز دقیق هنرپروری راه بُرده، عالم احکام کتابهای آسمانی و کاشف استار از وجوه الفاظ و معانی گردند و رسایل صلوات تاّمات و مجموعه‌های تسلیمات نامیات قف مسکن رسول مبین و صاحب مقام امین و اوصیای گزین و اولاد معصومین او - صلوات [الله] علیهم اجمعین - را شاید که به تعلیم اصول و فروع دین و ارشاد به حقّ الیقین صاحبان مدارک و افهام و سالکان مسالک پیروی ائمه انام را به منتهی المطلب فوز ابدی و حیات القلوب سعادت سرمدی رسانیدند و به هدایت کافیه و دلالت وافی، سَبَق خوانان مدرسه ایجاد و وظیفه‌خواران زاد معاد را قابل مراتب عالیّه ایمان و ساکن حجرات بهشت جاویدان گردانیدند.

اما بعد؛ کشف مضامین صدق مفاد، شرح این مقاصد خیر بنیاد است که چون نواب کامیابِ خلائق مآب، شاهنشاه دین‌پناه، ظلّ [الله] المنصور المؤید من عند [الله]، بانی مبانی شریعت‌پروری، مشید ارکان معدلت‌گستری، باسط بساط عدل و داد، ماحی آیات جور و بیداد، بنده خاکسار آستان سید انبیا، چاکر دربار سرور اولیا و اصفیا، خادم عتبات ائمه اثنی‌عشر، مروّج سنن سنّیه حضرت خیرالبشر - علیهم صلوات الملك الاکبر - واسطه نظام لیالی و ایام، شیرازه اوراق شهور و اعوام، گردون رفعتی که عنوان منشور باهر

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۸-۷/۲۵.

النور شهریارش، به طغرای غزای «قَلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ»^۱

مطرز و موشح است، آسمان شوکتی که دیباچه فرمان فرمانمایی و جهانداریش، به سر لوح زیبای «وَأَتَيْنَاهُ مُلْكًا عَظِيمًا»^۲ مزین و منقش است، صاحب نسب بزرگوار نبوی، فایز حسب با اعتبار علوی، پشت و پناه اهل ایمان، مظهر آثار لطف و احسان، سلطان سلاطین زمان، پادشاه پادشاه نشان، السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان ابوالمظفر، ابوالمنصور شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان -مد[الله] تعالی ظلال معدلته علی مفارق الانام و جعل دولته متصله بدولة [القائم] علیه الصلوة والسلام- پیوسته انتشار قواعد علوم دین مبین و اشتها شعایر شرایع ملت مستبین حضرت سیدالمرسلین -علیه افضل صلوات المصلین- و تکثیر علمای دیندار و ترفیه طالبان علوم سعادت‌مدار و تهیه اسباب تحصیل و تمهید مایحتاج تکمیل آن قوم نبیل را، منظور نظر انور کیمیا اثر و مرکوز ضمیر منیر حق‌پرور عدالت‌گستر، نموده و از خالص مال حلال، مدرسه‌ای عظیم‌المثال، در جنب چهارباغ دارالسلطنه اصفهان^۳ -صانها[الله] تعالی عن طوارق الحدثان- به جهت سکنی و مأوای ایشان احداث و بنا فرموده‌اند و به فضل خالق انام، آن نیکومقام، رتبه اتمام یافته.

لهذا از جمله تهیه اسباب تحصیل آن فریق توفیق نشان که تیسیر آنها منظور آن خسرو اهل زمان است، این کتاب را با سایر کتبی که در ظهر هر یک وقفیه‌ای به همین شرح مرقوم گردیده است قریبه الی [الله] تعالی و طلباً لمرضاته، وقف صحیح لازم مؤبد شرعی و حبس صریح جازم مخلد ملی نمودند بر شیعیان اثنی عشریه -کثرهم [الله] تعالی بین البریه- به این نهج که همیشه در ضبط و تحویل کتابداری که به جهت مدرسه مبارکه مزبوره تعیین می‌شود بوده، هریک از طلبه عظام سکنه مدرسه مذکوره که محتاج به آنها باشند، به تجویز مدرّس مدرسه مزبوره، بگیرند و به قدر احتیاج نگاه داشته، از آن منتفع شوند و زیاده از قدر احتیاج نگاه ندارند و اگر کسی از شیعیان غیر ساکنین آن مدرسه محتاج به آنها باشد و خواهد، بعد از تجویز مدرّس، قبض به مهر مدرّس، به کتابدار مذکور سپارد و کتاب را گرفته، به قدر احتیاج نزد خود نگاه داشته، از دارالسلطنه

اصفهان بیرون نبرد و اگر مدرّس خاطر به او جمع نماید و مناسب داند، رهن از او گرفته، کتاب را به او دهد و هریک از کتب مزبوره که بُردن آن به مشاهد مشرفه، به جهت زیارات و سایر اعمال مرغوبه و عبادات، مناسب باشد، اگر کسی خواهد و محل اعتماد مدرّس باشد، یا رهن دهد، بعد از تجویز مدرّس و قبض به مهر او جایز است که آن کتاب را به موعده معین، به نحو مزبور، از اصفهان بیرون برد و بعد از انتفاع و رفع رجوع باز آورده، به کتابدار^۴ سپارد و به هر تقدیر، در محافظت آن از تضییع و تلف کمال اهتمام و سعی نمایند و مادام که در اصفهان باشد، هر شش‌ماه یک مرتبه، به نظر مدرّس رسانند، تا خاطر خود را از وجود ضایع نشدن آن جمع نماید و هرگاه باز خواهند و مدرّس اذن جدید دهد، باز بُرده، به نحو مسطور از آن بهره یاب گردند و مدرّس مدرسه مبارکه مزبوره، در باب منتفع شدن ارباب احتیاج، بل کافه طلبه علوم و شیعیان از آنها و ضبط از تلف و ضایع شدن، نهایت سعی و اهتمام و در هریک از مراتب مزبوره فوق، به لوازم آن قیام نماید.

واعلی حضرت واقف - حرسه [الله] تعالی من جمیع المخاوف - شرط شرعی فرمودند که کتب مزبوره را نخرند و نفروشند و نبخشند و رهن ننمایند و در عرصه زوال و انتقال در نیاورند و جمعی که به جهت انتفاع آنها را نگاه می‌دارند، معطل نگذارند و هرگاه اهل علم از آنها منتفع شوند، در اوقات شریفه، آن ولی نعمت عالمیان و قبله‌گاه جهانیان را، به دعای خیر، یاد نمایند.

تغییر دهنده وقف مزبور، به لعنت [الهی] و نفرین حضرت رسالت‌پناهی و ائمه معصومین -صلوات الله علیهم اجمعین- گرفتار گردد:

«فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ»

۱. سوره آل عمران (۳) ۲۶.

۲. سوره نساء (۴): ۵۴ در آیه «وَأَتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» است.

۳. این مدرسه که به نامهای: «مدرسه چهارباغ» و «مدرسه سلطانی» معروف است، چنانکه در پیشگفتار اشاره شد، در چهارباغ کهنه واقع شده و از بناهای عهد شاه سلطان حسین صفوی است که به دستور وی طی شانزده سال ساخته شد. مدرسه در سمت شرقی چهارباغ کهنه است و بازارچه بلند و سرای سلطانی از توابع آن به شمار می‌رود و قریب به دوازده جریب شاهی است (نک: تاریخ اصفهان، جابری، ص ۱۳۸).

۴. در اصل: «کتابدار».

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.^۱

۶. دائرة المعارف الاسلاميه، عدهای از مستشرقان، ترجمه احمد سنتاوی و ديگران، قاهره، ۱۹۳۳م.

۷. درآمدی بر دائرةالمعارف كتابخانه های جهان، زیر نظر سيد محمود مرعشی، علی رفیعی علامرودشتی، قم ۱۳۷۴ش.

۸. دارالکتب العربیة العامه وشبه العامه لبلاد العراق والشام ومصر فی العصر الوسيط، یوسف العش، ترجمه نزار اباطة ومحمد صباغ، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۹. الذریعة الى تصانیف الشیعة، آقا بزرگ تهرانی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۱۰. فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، سيد احمد حسینی، زیر نظر سيد محمود مرعشی، قم ۱۳۷۴ش / ۱۴۱۶ق.

۱۱. کتابخانه های عمومی ونیمه عمومی عربی در قرون وسطی، یوسف العش، ترجمه اسدالله علوی، آستان قدس، ۱۳۷۳ش.

۱۲. معجم الادباء، یاقوت حموی، بیروت، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م.

۱۳. المنتظم، ابوالفرج عبدالرحمن ابن جوزی، به کوشش محمد عبدالقادر عطا ومصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۲ق.

۱۴. النجوم الزاهرة، ابن تفری بردی، قاهره، ۱۹۲۹ - ۱۹۵۶م.

۱۵. وقف نامه ها و تاریخ کتابخانه و کتابداری، نوش آفرین انصاری (محقق) یادنامه ادیب نیشابوری، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مگگیل.

۱. سورة بقره (۲): ۱۸۱.

واعلی حضرت واقف - جعله [الله] تعالی آمناً من جميع المخاوف و واقفاً علی سبیل الهدی فی کلّ المواقف - ثواب این وقف را قربتاً الی [الله] تعالی، هدیه نمودند، به ارواح مطهره حضرت مقدسات بسزده مرتباً عرش درجات - علیهم السلام - که اول ایشان حضرت رسول امین، مختار جناب رب العالمین، مقصود از ایجاد افلاک، مخصوص به خطاب لولاک، خاتم انبیا - صلی [الله] علیه و آله وسلم - و آخر ایشان خاتم اوصیا، هادی راه هدی، به امر خدا غایب، امر وزمان را صاحب، امام بحق، پیشوای مطلق، حجت الرّحمه - صلوات [الله] و سلامه علیه - است.

وكان تحرير ذلك في شهر ربيع الثاني من شهر سنة عشرين و مائة بعد الالف من الهجرة المقدسة النبوية علی مهاجرها آلاف صلوة و سلام و تحية.

منابع تحقیق

۱. تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۳۸۱ - ۴۰۰ق) به

کوشش عمر عبدالسلام ترمزی، بیروت ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م.

۲. تاریخ اصفهان، حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، به کوشش جمشید مظاهری، اصفهان، ۱۳۷۸ش.

۳. تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سپنتا، اصفهان، ۱۳۴۶ش.

۴. تاریخ الدولة السلجوقیه، فتح بن علی بنداری، قاهره، ۱۹۰۰م.

۵. خزائن الکتب فی دمشق وضواحيها، حبیب الزیات، قاهره، ۱۹۰۲م.